

## عنوان مقاله:

نقش نهادهای بهره کش و چرخه رذیلت در کاستی های فرآیند توسعه در ایران (۱۳۰۴-۱۳۲۰)

## محل انتشار:

پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، دوره 9، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

## نویسندگان:

رضا سرحدی - دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

وحید سینائی - دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

## خلاصه مقاله:

ایران در دهه های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ شمسی شاهد شکل گیری مراحل از توسعه و رشد فرآیندهای آن بود. اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط دولت رضاشاه و سپس تبعید وی باعث شد تا عامل خارجی به عنوان اصلی ترین مانع و عامل ناتمام ماندن برنامه های توسعه این دوران برجسته و از عوامل داخلی که در بطن سیاست ها و روش های حاکم وجود داشت، غفلت شود. هدف مقاله حاضر گشودن دریچه جدیدی با بهره گیری از دو مفهوم نهادهای بهره کش و چرخه رذیلت از دارون عجم اوغلو و جیمز رابینسون به دلایل و عوامل درون زایی است که فرآیند توسعه را با اخلال همراه کرده و نارضایتی عمومی را از دولت توسعه گرا رضاشاه ایجاد کرد. از این رو، پرسش اصلی مقاله این است: فرآیند توسعه در ایران دوره رضاشاه تحت چه شرایطی آغاز شد و کاستی های این فرآیند چه بوده است؟ کامیابی، ارتقای کارآمدی و تداوم فرآیند توسعه مستلزم رشد نهادهای فراگیر و وجود چرخه فضیلت و ناکامی توسعه حاصل نهادهای بهره کش و چرخه رذیلت است. در حکومت پهلوی اول، گام هایی در مسیر توسعه برداشته شد اما این فرآیند تحت تاثیر شکل گیری نهادهای بهره کش و چرخه رذیلت با اختلال روبه رو شد و به نارضایتی جامعه منجر شد. یکی از ابعاد این نارضایتی را می توان عدم حمایت نیروهای اجتماعی از دولت به هنگام اشغال ایران در جنگ جهانی دوم دانست. روش این مقاله، تاریخی- تبیینی بود و داده های آن از طریق مطالعات کتابخانه ای- اسنادی گردآوری شده است

## کلمات کلیدی:

پهلوی اول، دولت توسعه گرا، استقلال دولت، نهادهای بهره کش، چرخه رذیلت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1245119>

